

مراجعه کننده مولد

تنبیه خواهد کرد». تأخیر در درک تغییرات و برنامه‌ریزی برای آن موجب تنبیه نسل فعلی و به‌ویژه نسل آینده خواهد شد.

یکی از حوزه‌هایی که تأثیرپذیری شگرفی در مسیر این تحولات داشته است، حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است. تعاریف و نگاه به اطلاعات و محمل‌های آن به سرعت در حال تغییر است. تعبیراتی مانند «انفجار اطلاعات»، «بهمن اطلاعات»، و «رودخانه اطلاعات» تعبیری رنگ باخته‌اند که در مقابل سرعت تغییر، تداعی‌کننده معنای درست نخواهند بود. چنان سیالیتی در این حوزه حاکم است که هر لحظه به شکلی «بت عیار برآمد، دل برد و نهان شد».

در سال ۱۹۹۴، تعداد افرادی که از اینترنت استفاده می‌کردند ۱۳ میلیون نفر بودند. شش سال بعد، یعنی در سال ۲۰۰۰، این تعداد ۲۳۰۰ درصد افزایش یافت و این افزایش در تعداد استفاده‌کننده و حجم اطلاعات همچنان ادامه دارد. این میزان رشد را هیچ‌یک از پدیده‌های بشری به خود ندیده است. پدیده‌ای که همه جنبه‌های حیات انسانی را تحت تأثیر قرار داده است.

حال سؤال این است که آیا سرعت و چگونگی تصمیمات ما همخوانی لازم را با این

موسیقی روان و دلنشین فیلم محمد رسول‌الله سال‌هاست که در ذهن ما ایرانیان جای گرفته است. شاید وقتی موریس ژار این اثر و آثار ماندگار دیگری نظیر موسیقی فیلم‌های عمر مختار، روح، و آخرین پرواز را خلق می‌کرد، فکر نمی‌کرد پسرش ژان راه دیگری را بی‌ماید. اما سرعت تغییرات چنان پرشتاب بود که فرزندش، ژان میشل ژار، مبدع موسیقی نوین الکتروآکوستیک شد. در بعضی اجراها او را می‌بینیم که بر تارها و اسبابی زخمه می‌زند که از جنس مجازا است!

این تغییرات در دوران ما منحصر به حوزه موسیقی نیست، از سیاست تا اقتصاد و از هنر و عرفان و دین تا فلسفه در معرض وزشی قرار گرفته است که می‌طلبد فرزندانگان و فرهیختگان هر کشوری مسیر خود را در هر حوزه معرفتی و رفتاری مشخص کرده و تغییرات محتمل را خردمندانه پیش‌بینی کنند. هرگونه تأخیری در این مهم خسارات جبران‌ناپذیری، حتی برای نسل آینده، به‌بار خواهد آورد. گورباچف در سال ۱۹۸۹ در سفرش به آلمان شرقی به ارایش هونکر، رهبر آن کشور، سخن درس‌آموزی گفت: «کسانی که تأخیر کنند زندگی آنان را

تحولات و حجم اطلاعات دارد؟ حجم عظیمی از منابع موجود در کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی در بسیاری از کشورها هنوز شناسایی نشده‌اند و اطلاعات کتابشناختی برای آنها تهیه نشده است. حتی کشورهایی مثل ایران و ترکیه که دارای بیشترین نسخ خطی در جهان هستند - نسخی که میراث گرانسنگ شرق اسلامی برای بشریت است - با همه تدابیر و تلاش‌هایی که به کار برده‌اند، تاکنون نتوانسته‌اند فهرست جامع و مانعی از میراث خود ارائه دهند. نگاه سنتی به گردآوری و پردازش و اطلاع‌رسانی که تاکنون پاسخ‌گوی منابع گذشته‌نگار نبوده است، چگونه می‌تواند پاسخ‌گوی حجم گسترده اطلاعات نوین باشد؟ آیا نباید چشم‌ها را بشوییم و جور دیگری ببینیم؟

تافلر اصطلاح *presuming* را در مواضع بسیاری به کار برده است. این اصطلاح را تولید و مصرف همزمان، همجوشی تولید و مصرف، و مصرف‌کننده مولد معنا کرده‌اند. مثالی که خود تافلر در مصاحبه‌هایش بیان کرده است دستگاه‌های خودپرداز و دوربین‌های دیجیتال است. وقتی ما از دستگاه خودپرداز برای دریافت و پرداخت پول استفاده می‌کنیم در اصل کار اپراتور بانک را خودمان انجام می‌دهیم و در دوربین‌های دیجیتال روتوش و ظهور و ثبوت فیلم و عکس و چاپ آن توسط تولیدکننده انجام می‌شود. حال سؤال این است که این پیش‌بینی در حوزه کار ما چگونه محقق می‌شود. سیستم و شیوه کاری که اکنون جاری است به چه سمت و سویی روان خواهد شد؟

واقعیت این است که حوزه مانیزمدت‌هاست به سمت «مراجعة‌کننده مولد» پیش رفته است. مراجعة‌کننده‌ای که حجم زیادی از کارهای

انتخاب و پردازش اطلاعات به او واگذار شده است. نظام‌های هوشمند در رفتارسنجی مراجعان بسیار دقیق عمل کرده و الگوریتم‌های سیالی برای جست‌وجو و ذخیره اطلاعات پدید می‌آورند. فقط سنجش‌های گوناگون نیست که مبدأ تحول شده است. با تمهیداتی حتی تولید اطلاعات و اطلاعات کتابشناختی آن نیز به مراجعه‌کننده سپرده می‌شود. توسعه اینترنت بر این اصل استوار شده است و در گستره آن مثال‌ها بی‌شمارند. به یک مورد بسنده می‌شود:

سایتی با عنوان فلیکر^۲ راه‌اندازی می‌شود. افراد می‌توانند عکس‌های خود را در این سایت به اشتراک بگذارند. اطلاعات مختصری از عکس را نیز خودشان باید وارد سیستم کنند. نظام هوشمند نیز این اطلاعات را تکمیل می‌کند. در این لحظه که مشغول نوشتن هستم به آن سایت مراجعه می‌کنم. فقط در یک دقیقه گذشته ۴۱۵۰، و طی یک ماه گذشته دو و نیم میلیون عکس به این سایت ارسال شده و قابل بازیابی است! و خوب می‌دانیم که هنوز بعضی کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی سال‌هاست برای ساماندهی دویست، سیصد هزار عکس آه‌و‌وآ در گل فرومانده‌اند.

به‌راستی ضروری است که برای حفظ میراث فرهنگی گذشته‌نگار و میراثی که اکنون در حال آفرینش است، برنامه‌ریزی خردمندانه‌ای داشته باشیم. لازم است سیالیت و گستردگی محیط‌های نوین را درک کنیم و به‌ویژه برای آموزش‌های لازم، برای تربیت نیروی انسانی متناسب با سپهر جدید معرفتی، تلاش کنیم. به یاد داشته باشیم که تأخیر موجب تنبیه است. افسوس که این تنبیه بیشتر متوجه نسل‌های بعدی خواهد شد.

فریبرز خسروی

2. <http://flickr.com/>